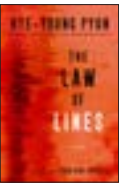


هم مقصر، هم قربانی

معرفی و نقد رمان **گناهکار** نوشته هی-یونگ پیون



«گناهکار» رمانی اجتماعی است که مسائل طبقاتی، اقتصادی و خانوادگی و نهادی جامعه کره جنوبی را به تصویر می‌کشد. عنوان رمان استعاری است: خطوطی که آدم‌ها را به هم وصل می‌کنند؛ خط بدهی، خانواده، دوستی، انتقام و علیت

پدرش کارگر بوده و مرده، و مادر پدرش در واحد ۱۰۱ زندگی می‌کند. سو-هو بدهکاران را تحت فشار می‌گذارد. خودش هم از بدهی را با خود می‌کند. پدر با سوختگی شدید به بیمارستان می‌رود و می‌میرد. پلیس احتمال خودکشی می‌دهد و کارآگاهی به نام میونگ-گوک کی‌م نام سو-هو لی، شرخر، را مطرح می‌کند. کی-جئونگ شین (خط دوم) معلم مدرسه است. شاگردی به نام دو-جون وون همراهِ چند نفر از بقالی دزدی می‌کند و برخی اقلام دزدی را به کی-جئونگ هدیه می‌دهد. کی-جئونگ که از دست او و والدین پولدارش کلافه شده، با دهمیا به او حمله می‌کند. دو-جون حساب‌شده کاری می‌کند که کی-جئونگ تنبیه شود و به مرخصی اجباری می‌رود. پلیس خبر می‌دهد که جسد خواهر ناتنی‌اش ها-جئونگ شین در رودخانه پیدا شده است. مرگ غرق‌شدگی است، اما مشخص نیست خودکشی بوده یا تصادف. سو-هو لی (خط سوم) کارمند شرکت وصول مطالبات است. در فقر بزرگ شده،

کی-این-کو خانه‌اش را گرو می‌گذارد و بدهی‌اش به شرکت وصول مطالبات فروخته می‌شود. ها-جئونگ و سه-اوه به‌خاطر طرح هرمی بدهکار می‌شوند. خود سو-هو هم برای اجاره خانه وام گرفته و در چرخه بدهی گرفتار است. رمان نشان می‌دهد بدهی چگونه به یک سرنوشته اجتماعی بدل می‌شود: آدم‌ها را به هم زنجیر می‌کند، خانواده‌ها را می‌شکند، عزت نفس را نابود می‌کند و در نهایت به خودکشی، قتل یا انفجار می‌رسد.

۲. سرمایه‌داری مالی، بانک‌ها و شرکت‌های شرخری: رمان به‌طور مشخص به شرکت وصول مطالبات می‌پردازد. شرکت بدهی‌های سوخته را از بانک‌های درجه‌چندم می‌خرد و با فشار، آنها را وصول می‌کند. رئیس تیم سو-هو توضیح می‌دهد که بانک‌ها هرگز بدهی مشتری را تا زمانی که سودآور باشد، نمی‌فروشند. رمان در اینجا، اقتصاد سیاسی بدهی را افشا می‌کند: نظام مالی به آدم‌ها وام می‌دهد، بدهی‌شان را به شرکت‌هایی می‌فروشد که به خشونت متوسل می‌شوند. سو-هو خودش قربانی همین نظام است، اما در نقش عامل آن نیز عمل می‌کند.

۳. توسعه‌شهری، آوارگی و نابرابری فضایی: توسعه شهری در رمان نقش کلیدی دارد. خانه شماره ۱۵۷، خانه کی-این‌گو، واحدهای مسکونی فرسوده و محله‌ای که در حال تخریب است، همه نشان‌دهنده آوارگی طبقات فرودستند. مستأجران و مالکان کوچک در برابر سرمایه‌داری املاک گرفتار ناتوان‌اند. شبکه‌ای توری که دور محوطه ساخت‌وساز کشیده شده، استعاره‌ای از دیوارکشی طبقاتی و حذف فقر از شهر است. سه-اوه در گوشه‌ی وون زندگی می‌کند؛ جایی که اتاق‌های کوچک «تابوت» نامیده می‌شوند. کی-جئونگ هم به‌گوشی وون خوارش می‌رود و می‌بندد. فقر در فضاهای تنگ و بی‌پنجره بازتولید می‌شود. رمان نشان می‌دهد فضا خود مقوله‌ای اجتماعی است: فضاها معنای طبقاتی دارند.

۴. طرح‌هرمی و استثمار شبکه‌های اجتماعی: طرح هرمی در رمان، استعاره‌ای از سرمایه‌داری شبکه‌ای و بهره‌کشی است. شخصیت‌ها در دوستان، همکلاس‌ها و حتی اعضای خانواده را به‌طور مرتب تبدیل می‌کنند. سه-اوه توسط می-جون



دالاسیوس در این رمان اهمیتی بسیار بیشتر از یک ویژگی شغلی پیدا می‌کند. او در دوره‌ای زندگی می‌کند که چاپ مکانیکی به‌تدریج جای نوشتن با دست را گرفته است. دستگاه چاپ امکان تکثیر گسترده متن‌ها را فراهم می‌کند و کتاب‌ها را از محدودیت نسخه‌های دستنویس دور می‌سازد؛ با این حال، هنوز گاهی‌ای وجود دارند که به حضور مستقیم کتاب نیازمندند. بنابراین دالاسیوس در فاصله میان دو شیوه تولید قرار دارد: شیوه‌ای که در آن نسخه‌برداری و مرتب‌کردن اسناد محدود نخواهد ماند. ولتر از او می‌خواهد درباره پرونده‌ای تحقیق کند که در ظاهر به گذشته تعلق دارد، اما نشانه‌هایی از حقیقتی پنهان را در خود نگه داشته است. به این ترتیب، کاتب جوان از پشت میز کار به میدان تحقیق کشیده می‌شود و مهارتی که پیش‌تر برای ثبت و انتقال کلمات به کار می‌رفت، او را در مسیر کشف رازها قرار می‌دهد. پرونده مورد نظر به کالاس (رازگاران پروستان اهل لژیون) که در سال ۱۷۶۲، در فضایی آکنده از تعصب مذهبی، به قتل پرسش متهم و اعدام شد، مربوط است. ولتر بعدها به این پرونده پرداخت و برای اعاده حیثیت کالاس مبارزه کرد؛ ماجراجویی که به یکی از نمونه‌های شناخته‌شده فعالیت او علیه تعصب و بی‌عدالتی قضایی تبدیل شد. اهمیت این واقعه برای رمان تنها در جنبه جنایی آن نیست. د سانتیس از این زمینه تاریخی استفاده می‌کند تا داستان خود را به سویی توطئه‌ای گسترده‌تر هدایت کند. ماجرای واقعی کالاس نقطه آغاز است، نه مرز نهایی روایت. نویسنده با افزودن گروه‌های مذهبی، مخترعان، کاتفرهاوشان، جلادان و شخصیت‌های دیگری که هر یک در گوشه‌ای از جهان داستانی فعالیت می‌کنند، شبکه‌ای خیالی می‌سازد که ابعاد آن از آنچه ولتر در واقعه‌ی تدر هدایت کند، فراتر می‌رود.

در این میان، ولتر بیش از آنکه قهرمان حاضر و فعال تمام صحنه‌ها باشد، نیرویی هدایت‌کننده در پس‌زمینه داستان است. جایگاه او به‌عنوان فیلسوفی که با تعصب و بی‌عدالتی مقابله می‌کند، به‌ماجرای معنایی فراتر از یک تعقیب و گریز معمولی می‌بخشد. او پرسش را مطرح می‌کند و مأموریت را به دالاسیوس می‌سپارد، اما این کاتب است که باید با خطرهای جهان بیرون روبرو شود.

فرود ماشین‌ها به دنیای آدم‌ها

نویسنده به‌طور مداوم می‌سازد و کسی که پیامدهای آنها را تجربه می‌کند، یکی از خطوط مهم رمان است. شاید به همین دلیل است که حرفه

فراتر از روشنگری

خطاط ولتر نوشته پابلو د سانتیس تأملی درباره مرزهای انسان و ماشین است



در آن واقعیت تاریخی و افسانه چنان درهم می‌آمیزند که خواننده پیوسته باید نسبت میان آنچه رخ داده و آنچه نویسنده آفریده است، از نو بسنجد. راوی داستان «خطاط ولتر» مردی است به نام دالاسیوس که به خدمت ولتر درمی‌آید. او سال‌ها پس از وقوع ماجراها، روایت خود را از موقعیتی نامتعارف آغاز می‌کند. در سفر است و دارایی‌های اندکش را ابزارهای نوشتن، چند پیراهن و قلب مومیایی‌شده ولتر تشکیل می‌دهند؛ قلبی که در محفظه‌ای شیشه‌ای نگهداری می‌شود. این تصویر آغازین، با تمام غرایب خود، حال‌وهوای رمان را به‌خوبی آشکار می‌کند: در اینجا مرگ پایان حضور اشیا و آدم‌ها نیست و بدن انسان می‌تواند پس از جداشدن از زندگی، به نشانه‌ای رازآمیز و حتی وسیله‌ای برای روایت تبدیل شود. قلبی که زمانی در سینه فیلسوف می‌تپیده، اکنون در اختیار کاتب او است و به‌پیوندی میان حافظه، مالکیت و میراث بدل شده است.

با این حال، روایت دالاسیوس بیش از آنکه درباره این یادگار عجیب باشد، به گذشته‌ای بازمی‌گردد که مسیر زندگی او را تغییر داده است. او که در خوشنویسی آموزش دیده، پس از ازدست دادن شغلش به‌عنوان منشی دادگاه محلی، سرانجام راهی به خانه ولتر پیدا می‌کند. استخدام نزد فیلسوف



خطاط ولتر

● نویسنده: پابلو د سانتیس
● مترجم: بیوک بوداگی
● انتشارات: چشمه
● تعداد صفحات: ۱۶۹ صفحه
● قیمت: ۵۹۰۰۰ تومان



در جهانی که ماشین‌ها هر روز بیش از گذشته توانایی‌های انسانی را بازسازی می‌کنند، دستخط هنوز چیزی بیش از وسیله‌ای برای انتقال کلمات است. هر دستخط نشانی از حضور انسانی است که کلمات را بر صفحه می‌نشاند؛ حضوری که در انتخاب شکل حروف، فشار قلم، مکث میان واژه‌ها و حتی لغزش‌های کوچک دست آشکار می‌شود. اما اگر روزی ماشین بتواند تمام این نشانه‌ها را چنان دقیق تقلید کند که تشخیص نسخه اصلی از بدل ناممکن شود، چه چیزی از یگانگی انسان باقی خواهد ماند؟ پابلو د سانتیس، نویسنده آرژانتینی، در رمان «خطاط ولتر» با بازگرداندن خواننده به فرانسه عصر روشنگری، جهانی می‌سازد که در آن این پرسش از دل یک ماجرای تاریخی. معمایی سر برمی‌آورد.

پابلو د سانتیس، متولد ۲۷ فوریه ۱۹۶۳ در بوئنوس آیرس آرژانتین، نویسنده، روزنامه‌نگار و طنزنویسی است که در آثارش به ظرفیت‌های خیال، معمّا و بازی‌های ذهنی توجه نشان می‌دهد. او برای رمان (معمای پارسی) جایزه پلانتشا کاسا د آمریکا (Planeta-Casa de América) را در سال ۲۰۰۷ دریافت کرد و جایزه رمان اکادمی ادبیات آرژانتین نیز از دیگر افتخارات اوست. رمان ششمین چراغ» او هم در فهرست صد کتاب برتر بیست‌وپنج سال گذشته قرار گرفت که در سال ۲۰۰۷ با مشارکت نویسندگان و منتقدان تهیه شده بود.

کاتب ولتر

«خطاط ولتر» را می‌توان در مرز میان داستان تاریخی، معمایی و کونیک قرار داد؛ اثری که از فضای قرن هجدهم بهره می‌گیرد، اما قصد ندارد صرفاً تصویری مستند از آن دوره ارائه کند. د سانتیس تاریخ را ماده خام تخیل خود قرار می‌دهد و با افزودن شخصیت‌ها، موقعیت‌ها و اختراعاتی خیال‌پردازانه، روایتی می‌سازد که



گناهکار

● نویسنده: هی-یونگ پیون
● مترجم: شیوا مقاللو
● انتشارات: نیماژ
● تعداد صفحات: ۲۰۸ صفحه
● قیمت: ۴۹۰۰۰ تومان

او مراقبت می‌کند، هرچند خودش هم در باتلاق بدهی است. زنان کار مراقبتی انجام می‌دهند: مادر سو-هو برای پسرش سوپ می‌پزد، کی-جئونگ از مادرش مراقبت می‌کند، سه-اوه به پیرزن در بسته‌بندی کمک می‌کند. اما این مراقبت اغلب بدون پاداش و در سایه فقر انجام می‌شود. رمان نشان می‌دهد خانواده در نظام نئولیبرال به یکی از معدود شبکه‌های حمایتی تبدیل می‌شود، اما همین خانواده می‌تواند به گروگان گرفته شود: شرخرها، خانواده بدهکار را تهدید می‌کنند.

۸. قانون، پلیس و بی‌تفاوتی نهادی: رمان، نقدی جدی به نهادهای قانونی دارد. جئونگ در گوشه‌ی وون تنها می‌میرد. پیرزن تمام روز تنهاس‌ت و با پیک فروش‌گاه حرف می‌زند. سو-هو با مادرش زندگی می‌کند اما در عمل تنهاس‌ت. گوشه‌ی وون هماندا انزوا‌ی شهری هستند: اتاق‌های کوچک، دیوارهای نازک، همسایه‌هایی که هم را نمی‌شناسند. رمان نشان می‌دهد سالمندی، بیماری، فقر و تنهایی دست‌به‌دست هم می‌دهند و آدم‌ها را به حاشیه می‌رانند. فروشگاه کوچک محلی و پارک، تنها فضاهای اجتماعی‌اند، حتی آنها هم در برابر بازتوسعه و تخریب دوام نمی‌آورند.

۱۲. زبان، سکوت و روایت: رمان پر از سکوت است: سه-اوه کم حرف می‌زند، پدرش درباره مادر سکوت می‌کند، کی-جئونگ نقش بازی می‌کند، سو-هو با جملات کلیشه‌ای بدهکاران را می‌ترساند. سکوت، هم استراتژی بقا است و هم ابزار سرکوب. سه-اوه در گوشه‌ی وون به هیچ‌کس حرف نمی‌زند. کی-جئونگ در مدرسه وانمود می‌کند که همه چیز عادی است. زبان، حرفه دالاسیوس نیز ماهرکت است. او هم و هم می‌تواند درمان باشد (گفت‌وگو کی-جئونگ با سه-اوه و مادرش).



پرتو ولتر در اتاق مطالعه‌اش

در برابر ماشین چه جایگاهی دارد، بلکه این نیز هست که انسان با دانستی که به دست می‌آورد چه می‌کند. در واقع، ماشین‌های رمان به‌تنهایی تهدید اصلی نیستند. آدم‌ها نیز می‌توانند به سازوکارهایی فرمانبردار تبدیل شوند که بدون پرسش، فرمان قدرت را اجرا می‌کنند. تعصب، ترس، اطاعت و میل به سلطه گاه رفتاری در انسان ایجاد می‌کنند که از هر دستگاهی قابل‌پیش‌بینی تر است. از این منظر، خشونت موجود در داستان صرفاً نتیجه حضور جلادان و توطئه‌گران نیست؛ این خشونت از جهانی برمی‌خیزد که در آن اشخاص ممکن است به ابزار اجرای اراده دیگران تقلیل یابند. بدین ترتیب، رمان میان انسان بودن و صرفاً انجام‌دادن یک وظیفه تمایز می‌گذارد؛ تمایزی که در تقابل دست‌آزد خطاط با ماشین برنامہ‌پذیر نیز بازتاب می‌یابد.

فضای کونیک داستان این پرسش‌ها را از سطح اندیشه به تجربه حسی خواننده منتقل می‌کند. کوچه‌های خلوت، خانه‌های عظیم و پیچیده، گورستان‌ها، محل‌های اعدام و مسیرهای تاریک، جغرافیایی می‌سازند که در آن خطر همیشه نزدیک به نظر می‌رسد. شخصیت‌ها در این محیط پیوسته

این کلیشه، مسئولیت اجتماعی را از دوش نظام برمی‌دارد و به «طبیعت» سالمندان نسبت می‌دهد. رمان نشان می‌دهد مرگ در جامعه مدرن هم‌زمان خصوصی و عمومی است: پلیس آن را آمار می‌کند، خانواده‌ان را سوگ می‌کند و جامعه‌ان را از طریق انگ و سکوت مدیریت می‌کند. جمله پایانی مادر کی-جئونگ، «حتماً خیلی سردش شده»، اوج سوگ اجتماعی است.

۱۰. اخلاق، ضرر و مسئولیت در شبکه‌ها: رمان به‌شدت برمرز میان قربانی و عامل متمرکز است. سو-هو، هم قربانی نظام است و هم عامل خشونت. سه-اوه هم قربانی طرح هرمی و مرگ پدر است و هم در آستانه ارتکاب قتل. کی-این‌گو، هم قربانی بدهی و مرگ دخترش است و هم قاتل. دو-جون، هم قربانی خشونت معلم است و هم با حیل، معلم را به دام می‌اندازد. رمان می‌پرسد: شر از کجا شروع می‌شود؟ از فکر، از نیت، از عمل، یا از ساختار؟ سه-اوه از خود می‌پرسد: «کی نیت بد به شر تبدیل می‌شود؟» و پاسخ می‌دهد که همه لحظات پرآکنده به هم می‌پیوندند و خطی می‌سازند که او را احاطه می‌کند. این همان «قانون خطوط» است: هیچ‌کس کاملاً بی‌گناه نیست و هیچ‌کس کاملاً گناهکار نیست؛ همه در این شبکه گرفتارند.

۱۱. انزوا، سلامت روان و سالمندی: رمان تصویری تیره از انزوا اجتماعی ارائه می‌دهد. سه-اوه چند سال خانه‌نشین است. ها-جئونگ در گوشه‌ی وون تنها می‌میرد. پیرزن تمام روز تنهاس‌ت و با پیک فروش‌گاه حرف می‌زند. سو-هو با مادرش زندگی می‌کند اما در عمل تنهاس‌ت. گوشه‌ی وون هماندا انزوا‌ی شهری هستند: اتاق‌های کوچک، دیوارهای نازک، همسایه‌هایی که هم را نمی‌شناسند. رمان نشان می‌دهد سالمندی، بیماری، فقر و تنهایی دست‌به‌دست هم می‌دهند و آدم‌ها را به حاشیه می‌رانند. فروشگاه کوچک محلی و پارک، تنها فضاهای اجتماعی‌اند، حتی آنها هم در برابر بازتوسعه و تخریب دوام نمی‌آورند.

۱۲. زبان، سکوت و روایت: رمان پر از سکوت است: سه-اوه کم حرف می‌زند، پدرش درباره مادر سکوت می‌کند، کی-جئونگ نقش بازی می‌کند، سو-هو با جملات کلیشه‌ای بدهکاران را می‌ترساند. سکوت، هم استراتژی بقا است و هم ابزار سرکوب. سه-اوه در گوشه‌ی وون به هیچ‌کس حرف نمی‌زند. کی-جئونگ در مدرسه وانمود می‌کند که همه چیز عادی است. زبان، حرفه دالاسیوس نیز ماهرکت است. او هم و هم می‌تواند درمان باشد (گفت‌وگو کی-جئونگ با سه-اوه و مادرش).

در حرکت‌اند و هر مکان ممکن است به صحنه برخوردی پیش‌بینی‌ناپذیر تبدیل شود. خانه‌ها به‌سادگی می‌توانند به هزارتوهای برای گم‌شدن بدل شوند و اشیا، به‌جای آنکه آرامش و اطمینان ایجاد کنند، احساس ناامنی را افزایش دهند. فضای تاریک رمان نه‌فقط برای ایجاد هیجان، بلکه برای بیان بی‌ثباتی حقیقت نیز به کار می‌رود: در مقابل این تاریکی، کتابخانه‌ها، کاتفرهاوشان و نسخه‌های خطی حضور پررنگی دارند. دانش در رمان نیرویی زنده است که میان افراد دست‌به‌دست می‌شود و مسیر رویدادها را تغییر می‌دهد. کتاب‌ها و اسناد، برخلاف تصور رایج از اشیا بی‌حاشی، در اینجا درگیر مناسبات قدرت‌اند؛ ممکن است اطلاعاتی را حفظ کنند، حقیقتی را آشکار سازند یا به موضوع رقابت و پنهان‌کاری تبدیل شوند. این حضور گسترده کتاب، به حرفه دالاسیوس نیز ماهرکت است. او هم با ماده نوشته سرگور دارد و هم با معنایی که نوشته منتقل می‌کند.

با وجود این لایه‌های فکری، «خطاط ولتر» بیش از هر چیز رمانی پرحادثه است. تعقیب و گریزها، جابه‌جایی شخصیت‌ها، افشای تدریجی رازها و برخورد با موقعیت‌های نامتعارف، روایت را با شتابی چشمگیر پیش می‌برند. د سانتیس از کنار هم قرار دادن عناصر ناهمگون لذت می‌برد. همین تنوع، جهان داستان را سرشار از تصویرها و موقعیت‌های بی‌پایماندنی می‌کند. طنز گاه در دل این فضای تاریک حضور دارد و نیاز از تضاد میان جدیت حوادث و غرایب ابزارها را رفتار شخصیت‌ها پدید می‌آید. در نهایت، «خطاط ولتر» رمانی است که از یک ماجرای تاریخی آغاز می‌کند و به تأملی درباره معنای انسان بودن می‌رسد، بی‌آنکه جذابیت داستان کوبی را قربانی بحث‌های نظری کند. نقطه قوت آن بیش از هر چیز در پیوند میان آگاهی و ابدهاست. «خطاط ولتر» در پس ظاهر سرگرم‌کننده‌اش، درباره پرسش می‌سازد.

